

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

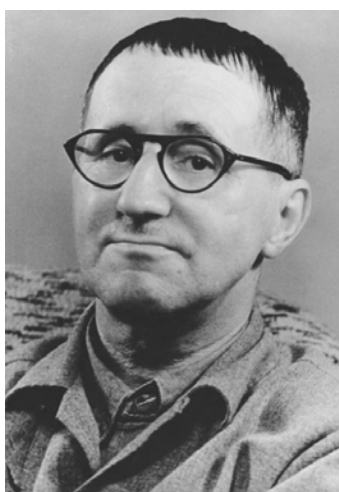
www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

توفان آراز
فرستنده: علی مشرف
۲۶ فیروزی ۱۳۹۸



(Bertolt Brecht) - (۱۸۹۸ - ۱۹۵۶)

تعهد سیاسی برشت

(بخش نخست - ۲)

من به ضد اوضاع منظم در یک خوکدانی هستم. - برتولت برشت.

هنگامی که برشت جایزه رسمی دولت شوروی ویژه تقویت صلح بین خلق هارا که در آن زمان جایزه ستالین نامیده می شد، اما بعد به جایزه لنین تغییر نام داده شد در سال ۱۹۵۵ در مسکو دریافت می داشت، ضمن نطق سپاسگزاری که ضمناً اصرار داشت متن آن به وسیله بوریس پاسترناک ۱۸۹۰۱۹۶۰ Boris Paster nak به زبان روسی ترجمه شود ۲ - از جمله چنین گفت " من ۱۹ ساله بودم که خبر انقلاب بزرگ شما به گوشم رسید، ۲۰ ساله بودم که انعکاس آن آتش بزرگ را در زادگاهم دیدم. من سرباز بهداشت در یک بیمارستان نظامی در آئوگسبورگ بودم. سربازخانه ها و حتی بیمارستان های نظامی خالی شدند، آن شهر قدیم ناگهان از وجود آدم های تازه ای مملو شد، که در دستجات بزرگی از نواحی اطراف با زندگی می آمدند که برای خیابان های اغنیاء، ادارات و تجار بیگانه بود (...). فقط چند روز، ولی چه روزهایی، همه جا مردم می ستیزیدند، اما همزمان مردم صلح طلب، مردمی دست اندر کار ساختن! مبارزات، به طوری که شما مطلعید، به پیروزی نینجامیدند، و از چرای آن نیز شما اطلاع دارید. در سال های بعد

تحت جمهوری ویمار [Weimarer Republik نام غیررسمی رایش المان از ۱۹۱۸ تا ۱۹۳۳] نوشته های سوسیالیستی کلاسیک و با صلاحیت تازه ای در اثر انقلاب عظیم اکتوبر و گزارشات بنای جامعه ای نو به دست شما بود، که مرا به این آرمان ها متعهد و به آگاهی رساندند."

از خواندن این قطعه از نطق برشت بلافاصله می توان این برداشت را نمود، که او این جا اعلام می کند وی از زمان رسیدن خبر انقلاب اکتوبر به المان به طرفدار پرحرارت آن مبدل شد، و جزء مهمی از خوراک فکری او را از آن پس نوشته های کلاسیک مارکسیسم و گزارشات نتایج بنای سوسیالیسم در اتحاد شوروی تشکیل دادند. در صورتی که حقیقاً چنین نبود. باید توجه داشت برشت در کاربری زبان المانی استاد بود. او توانائی به کار بردن زبان را به صورتی داشت که خواننده یا شنونده را متوجه سازد آن چه می خواند یا می شنود دارای مفهوم پوشیده دیگری است. با ملاحظه دقیق تر سخنان برشت می توان دریافت که برشت فقط می گوید، خبر انقلاب روسیه به گوشش رسید و انعکاس آن را در زادگاهش مشاهده نمود. او حتی یک کلمه در خصوص نوع واقعی "تعهدش" بر زبان نمی آورد، و در جای دیگر این نطق درباره قضیه جنگ داخلی در بایرن صرفاً به بیان واژه هائی مربوط به ورود زنان کارگر به شوراها و سپس اعلام هیجان زده "چه روزهایی!" اکتفاء می کند. مطمئناً بسیاری در رابطه با کلاسیک های سوسیالیسم و اهمیت بنای سوسیالیسم برای برشت می توانند گمان کنند آن ها می باید بلافاصله پس از ۱۹۱۷ زندگی برشت را هنایانده باشند. در صورتی که در نطق او فقط کلمه "بعد" ذکر می شود، و آن نمی تواند ضرورتاً به مفهوم "اناً بعد" باشد، بلکه هم چنین به خوبی می تواند مفهوم "دیرتر" را برساند.

در نتیجه بدون آن که برشت دروغ مستقیمی گفته باشد، این واژه های او می توانند مربوط به سال های پس از ۱۹۲۶ باشند، و ما واقفیم که آن ها بخوبی با این سال مطابقت پذیرند، در حالی که شنوندگان نطق او و خوانندگان متن آن بسادگی باور می کنند آن ها مربوط به سال های ۱۹۱۷-۱۹ هستند هنر زبانی برشت در این جا به شکل دیگری نیز آشکار می گردد. درباره انقلاب المان به کنایه می گوید:

"مبارزات، به طوری که شما مطلعید، به پیروزی نینجامیدند، و از چرای آن نیز شما اطلاع دارید." و منظور او از این "چرا" یکی از منازعه آمیزترین چراها در تاریخ جنبش کارگری و سوسیالیسم اروپا در سده بیستم بود، که در صورت جستار پاسخ صحیحش مسلماً پیش گیری از بسیاری منازعات، تفرقه ها و حوادث ناگوار در اردوگاه سوسیالیسم بین المللی امکان پذیر می بود.

در توصیف رسمی شوروی از زندگی برشت - به تنظیم وی.اس. تروجانکر (V.S. Trojanker) ۳ - در رابطه با موضوع واکنش برشت در قبال شکست انقلاب نومبر المان آمده است: "شکست پرولتاریای المان در انقلاب نومبر و رفتار لجام گسیخته ارتجاع امپریالیسم اراده نویسنده را برای مبارزه خرد نکرد. او به شرکت فعالانه اش در زندگی عمومی و سیاسی ادامه داد." خواننده شوروی با خواندن این سطور به احتمال قوی می باید این برداشت اشتباه را کرده باشد، که برشت بلافاصله پس از زمستان انقلاب المان، ۱۹۱۸-۱۹ فعالانه در زندگی سیاسی شرکت جسته باشد در ۱۹۵۵ برشت زیرکانه پیشینه شرکتش در جناح چپ انقلابی را تا جائی که ممکن بود سال ها به عقب برد! فردریک اون ۱۸۹۹-۱۹۸۸ Frederic Ewen در شرح حال نامه اش درباره برشت، که از چند نظر جانب است، با لحن خشک می گوید: "او در آخرین سال هایش میل به عقب بردن پیشینه جریان بلوغ سیاسی اش را داشت."؛ اما برشت در سال های قبل از ۱۹۵۵ به عکس این سعی زیرکانه برای تمدید پیشینه انقلابی خود رفتار کرد. قبل از آن زمان شرح ها و اشارات او به گذشته سیاسی اش متفاوت بود، به عنوان نمونه ضمن مقاله ای در مجله (Film-Kurier

بیک فلم)، مؤرخ ۹ نومبر ۱۹۲۸ به مناسبت دهمین سالروز انقلاب نومبر المان، درباره خود و نسل خود چنین نوشت: " همه ما بدون آگاهی سیاسی بودیم (...). من فرق چندان با اکثریت غالب سربازان نداشتم، که طبیعاً از جنگ افسرده و دلسرد بودند، بی آن که قادر به اندیشیدن سیاسی باشند. من رغبت چندان به فکر به این دوره ندارم." یا در جائی دیگر، در یادداشتی که ناشرش ورنر هشت- Werner Hecht (۱۹۲۶-۲۰۱۷) تاریخ آن را سال ۱۹۳۵ ذکر می کند (ولی بر نسخه محفوظ آن در " بایگانی برشت"، ذخیره شماره ۳ (۱۹۷۲) تاریخ سال ۱۹۳۲ گذاشته شده، نوشت: "وقتی که من یک نویسنده شناخته شده بودم، هنوز آگاهی از سیاست نداشتم و هرگز کسی به من کتابی از یا درباره [کارل] مارکس Karl Marx (۱۸۱۸-۸۳) معرفی نکرده بود (...). من از الفبای سیاست اطلاع نداشتم، و حتی شناختم از زندگی عمومی در المان در حد یک دهقان خرد در بوهم بود." و در این جا با در نظر داشت سال ۱۹۲۶، که "غرق خواندن سرمایه" بود، می نویسد: " (...). و آن موقع، ابتداء آن موقع من مارکس را خواندم." خوانندگان علاقه مند به مقایسه این بیانات برشت و جزئیات شان درباره گذشته سیاسی او می توانند به متن اصلی (المانی) آن ها در کتابی حاوی نوشته های سیاسی برشت رجوع کنند.

به طور خلاصه می توان گفت، اگر برشت در ۱۹۵۵ فعالیت سیاسی اش در جناح چپ را حتی الامکان به زمان عقب تری می برد، پیش از تاریخ مزبور به عکس این رفتار می کند، یعنی می کوشد ناآگاهی سیاسی اش را حتی الامکان به زمان جلوتری به کشد، یقیناً به این مقصود که آن را عذری برای عدم فعالیتش در زمان پیش تری قرار دهد. در هر حال چنین بیاناتی نقیضه گوئی و لذا شک برانگیزند: از یک طرف "نوشته های سوسیالیستی کلاسیک" و "با صلاحیت تازه ای در اثر انقلاب عظیم اکتوبر" ۱۹۱۷ برشت را متعهد ساخته بودند؛ از طرف دیگر تا سال ۱۹۲۶ "کسی هرگز" به او "کتابی از یا درباره مارکس معرفی نکرده بود!" ما این مطلب آغازین تحلیل مان را با مکتبی در نظر رئیس "مرکز برشت" در المان شرقی (سابق)، هشت، درباره تعهد سیاسی برشت در سال های جوانی او به پایان می بریم.

در زمان هنرمائی افتخاری گروه نوازندگان برلین Berliner Ensemble در سال ۱۹۷۱ در پاریس در جشن یکصد و مین سال کمون پاریس ۶، هشت مصاحبه ای با دانشجویان در شعبه ای از دانشگاه پاریس داشت. این مصاحبه بر روی نوار ضبط گردید، و نسخه کوتاه و تصحیح شده اش در کتاب هشت درباره برشت ۷ مندرج است. ضمن مصاحبه یک دانشجو از هشت پرسید: "از آن جا که در کتب مختلف اطلاعات متفاوتی وجود دارد، من علاقه مند بدانم برشت از چه زمانی شروع به مطالعه مارکسیسم کرد." هشت به او پاسخ داد: "برشت در نامه معروفش به هائوپتمان می نویسد، که غرق خواندن سرمایه است. حالا دیگر باید به صراحت برسد. مسبب این یک نمایشنامه بود، جو فلیشهاکر، که او مشغول نوشتن آن بود: در آن می باید یک بورس باشد، و برشت علاقه داشت پی ببرد سفته بازی (معاملات قمار) چگونه صورت می گیرد. گفته برشت در نامه اش به نظر من نباید چنین فهمیده شود، که او سابق بر آن با مارکسیسم آشنائی نداشته است. موضوع این بود که او در مرحله مشخصی از کارش بدون شناخت دقیقی از مارکسیسم قادر به ادامه نبود. چند روز پیش کتاب برشت (*Schriften zur Politik und Kunst*) نوشته ها درباره سیاست و هنر) این جا در فرانسه بیرون آمده است. شما با خواندن اولین قطعات متعلق به پیش از ۱۹۲۶ به آسانی می توانید تأیید کنید، که برشت در زمانی زودتر با اندیشه های مارکسیستی آشنائی داشته است. در زمان جمهوری شورائی در مونیخ او عضو شورای سربازان بود، و بیانات بعدش در خصوص آگاهی سیاسی او در آن دوره فقط باید به صورت انتقاد سخت برشت مسن از جوان فهمیده شود." گوینده بالا به وضوح بر اصل "بله، اما با این همه" سخن می گوید:

از یک طرف به نامه معروف برشت به قصد تعیین زمان آگاهی سیاسی او رجوع می دهد. از طرف دیگر به طور پوشیده می خواهد تفهیم کند هنگامی که برشت از ناآگاهی سیاسی اش سخن می گوید، ما نباید او را باور کنیم: این فقط برشت در زمانی زودتر با اندیشه های مارکسیستی آشنا بود. ولیکن هشت ما را از منظور دقیقش از "آشنا بودن" مطلع نمی سازد. آیا منظور او اینست که برشت فقط از وجود اندیشه های مارکسیستی اطلاع داشته، یا آن که به قدر کافی مطالعه شان کرده و یا احتمالاً آن ها را پذیرفته بود؟

در مبحث بعد ما بر اساس مواد مربوط به شرح حال و آثار شخص برشت چگونگی کار و ماهیت نوشتارهای برشت جوان را از آغاز نویسندگی او تا به زمان نامه معروفش به هائوپتمان در سال ۱۹۲۶ برخورداریم رسید و بر پایه این بررسی، در مورد صحت یا سقم قضیه فعالیت کمونیستی - مارکسیستی برشت در تاریخی زود در حیاتش نظر خواهیم داد.

دوره جوانی برشت مصادف با روی دادهای مهمی بود: جنگ جهانی اول از ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ - انقلابات فبروری و اکتوبر ۱۹۱۷ در روسیه - جنگ داخلی در روسیه از ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۱ و مداخله نظامی قدرت های خارجی، بالاخص فرانسه و انگلستان در روسیه (۱ جولای ۱۹۱۸، ۴۰۰۰ نفر از نیروهای متفقین در خاک روسیه وجود داشتند. ۲ اگست همان سال شمار سربازان متفقین به ۱۰۰۰۰ نفر رسید. ۴ سپتمبر ۴۵۰۰ سرباز امریکائی و در آغاز نومبر ۷۰۰۰ سرباز جاپانی به نیروهای مداخله گر ملحق شدند)- فروپاشی نظامی المان و انقلاب نومبر ۱۹۱۸ با نتیجه برانداختگی حکومت قیصری و برقراری جمهوری در بایرن، ابتداء دولت انقلابی ایسنر در زمستان ۱۹۱۸-۱۹ و سپس جمهوری شورائی در مونیخ در اپریل ۱۹۱۹ و در سال های بعد اوضاع شبیه به جنگ داخلی در بخش های وسیعی از جمهوری المان فدرال.

و اما واکنش برشت جوان در قبال روی دادها چگونه بود؟

ادامه دارد